

بررسی دیدگاه‌های علامه طباطبائی در خصوص جرم و پیش‌گیری از آن

hjarifard@yahoo.com

محمد جعفری فرد / کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

Dr_hajidehabadi@yahoo.com

محمدعلی حاجی ده‌آبادی / استادیار دانشگاه قم

پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۱

دریافت: ۹۵/۶/۲

چکیده

دانش جرم‌شناسی مانند سایر علوم انسانی بر نظریات غربی‌ها بنا نهاده شده است؛ ولی با توجه به تعالیم اسلام که سعادت واقعی انسان را تضمین می‌کند، لازم است از نگاه اسلامی و بر پایه دیدگاه عالمان مسلمان به معضل جرم نگریسته شود. در این مقاله، دیدگاه‌های علامه طباطبائی در این باره، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف، شناخت اندیشه‌های این عالم بزرگ درباره جرم و عوامل آن و راه‌کارهای پیش‌گیری از بزهکاری می‌باشد. نظریات ایشان عمدتاً از تفسیر «المیزان» استخراج شده و با اتکا به روش تحلیلی - توصیفی، مورد بررسی قرار گرفته است. علامه، مخالفت با مواد قوانین عملی را که مجازات در پی دارد گناه می‌داند. در این تعریف، گناه رابطه نزدیکی با جرم دارد. ایشان سبب اصلی و ریشه همه گناهان را غفلت از مقام خدا و ایمان نداشتن به آخرت می‌داند. علامه به عوامل دیگری که مهم‌ترین آنها فقر مفرط و ثروت بی حساب است، نیز اشاره می‌نماید. مهم‌ترین راه پیش‌گیری از جرم از منظر علامه، اخلاق فاضله انسانی متکی بر اصل توحید است.

کلیدواژه‌ها: علامه طباطبائی، جرم، گناه، پیش‌گیری از جرم، پیش‌گیری اجتماعی

مقدمه

معضل جرم و رشد روزافزون آن در کشور ما، لزوم توجه به دانش جرم‌شناسی و بخصوص بحث پیش‌گیری از جرم را دوچندان کرده است. لیکن آنچه که به عنوان جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، عمدتاً برگرفته از نظریات دانشمندان غربی است؛ درحالی‌که آموزه‌های دین مقدس اسلام، به‌ویژه آیات نورانی قرآن، برای تضمین سعادت دنیوی و اخروی انسان، در همه زمینه‌ها دستوراتی را ارائه نموده است. ازاین‌رو، ضرورت دارد در مطالعه جرم و روش‌های پیش‌گیری از آن، در کنار بررسی نظریات جرم‌شناسان غربی، با نگاه اسلامی به مسئله، دیدگاه‌های علمای مسلمان نیز مورد بررسی قرار گیرد.

در این تحقیق سعی بر آن است تا دیدگاه‌های علامه طباطبائی پیرامون جرم و پیش‌گیری از آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. ایشان، یکی از برجسته‌ترین دانشمندان مسلمان است که علاوه بر تسلط بر علوم اسلامی، در حکمت و فلسفه و علوم اجتماعی صاحب‌نظر است. این اندیشمند بزرگ، در دوران عمر پربرکت خویش در راه علم و دانش مجاهدت‌ها نموده و آثار مهمی بر جای گذاشته است. مهم‌ترین اثر ایشان، *المیزان فی تفسیر القرآن* است.

اهمیت بررسی دیدگاه‌های علامه طباطبائی درباره جرم از دو جهت است: نخست اینکه ایشان بر علوم و معارف اسلامی احاطه کامل دارد، به‌گونه‌ای که یک «اسلام‌شناس» بزرگ است. آثار ایشان، به‌ویژه تفسیر ارزنده *المیزان* گویای این مسئله است. دوم اینکه علامه در *المیزان* مباحثی اجتماعی مطرح نموده که راهگشای همه معضلات جامعه است. ایشان در این تفسیر، علاوه بر بیان مفاهیم آیات، به مسائل مختلفی پرداخته که جامعه اسلامی مبتلا به آنهاست و برای هر یک راه‌حلی ارائه نموده است. از جمله موضوعاتی که علامه به آنها توجه نموده،

گناه و جرم و راه‌های جلوگیری از آنهاست. پیش از این، پژوهش‌هایی درباره تأثیر تعالیم اسلامی بر پیش‌گیری از وقوع جرم انجام شده است؛ از جمله: نقش *باورهای دینی در پیش‌گیری از جرم* (منصوری، ۱۳۸۵)؛ نقش تعالیم دین اسلام در پیش‌گیری از وقوع جرم (پوریانی مهدیرجی، ۱۳۸۴)؛ پیش‌گیری از جرم در قرآن کریم (رشادتی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، دیدگاه‌های علامه طباطبائی در زمینه‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است که برای نمونه، می‌توان به *اندیشه‌های اجتماعی علامه طباطبائی* (رضایی یزدی، ۱۳۸۱)؛ *اخلاق‌شناسی علامه طباطبائی* (امید، ۱۳۸۰)؛ *تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبائی* (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷ الف) اشاره نمود.

اکثر مقالاتی که درباره دیدگاه‌ها و نظریات علامه طباطبائی نگاشته شده، پیرامون مباحث دینی، اخلاقی و فلسفی است؛ ولی کمتر به مسائل اجتماعی توجه شده و دیدگاه‌های ایشان درباره «جرم»، تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

در این پژوهش، سه سؤال اساسی مطرح است:

۱. ماهیت جرم از دیدگاه علامه طباطبائی چیست؟
۲. مهم‌ترین علل و عوامل جرم از منظر علامه کدام‌اند؟
۳. مهم‌ترین راه‌کارهای پیش‌گیری از جرم از منظر ایشان چیست؟

در این پژوهش، مطالب در دو بخش ارائه شده است. پاسخ سؤال‌های اول و دوم پژوهش، در بخش اول (ماهیت و عوامل وقوع جرم از منظر علامه طباطبائی)، داده شده است و بخش دوم (دیدگاه‌های علامه طباطبائی درباره پیش‌گیری از جرم)، به پاسخ سؤال سوم اختصاص یافته است.

مفاهیم و اصطلاحات اساسی

جرم: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد.

گناه: مخالفت با اوامر و نواهی الهی.

عوامل وقوع جرم: هر وضع جسمانی یا روانی یا اجتماعی را گویند که می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقشی مؤثر داشته باشد.

پیش‌گیری از جرم: همه اقدامات و تدابیری است که پیش از وقوع جرم، در جهت کاهش وقوع اعمال مجرمانه اعمال می‌شود.

پیش‌گیری غیرکیفری: مجموعه تدابیر و اقداماتی است که ماهیت غیرکیفری دارند؛ یعنی قهرآمیز و سرکوب‌گرانه نیستند و عمدتاً قبل از ارتکاب عمل مجرمانه، اعمال می‌شوند.

پیش‌گیری کیفری: پیش‌گیری از جرم از طریق کیفر بزهکار با هدف اصلاح و تربیت وی.

بحث اول: ماهیت جرم و عوامل وقوع آن از منظر

علامه طباطبائی

در این قسمت، دیدگاه‌های علامه درباره جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در دو مبحث جداگانه، نظریات ایشان پیرامون ماهیت جرم و عوامل وقوع آن تبیین می‌شود.

الف. ماهیت جرم

۱. تعریف جرم

جرم در لغت به معنای «گناه» و «بزه» آمده است (معین، ۱۳۸۲). طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». از نظر حقوق‌دانان، جرم «فعل یا ترک فعلی است که از نظر خارجی به نظم، صلح و آرامش لطمه وارد می‌کند و قانون

بدین دلیل با مجازات، ضمانت اجرایی برای آن فراهم می‌سازد» (نوربها، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲).

واژه جرم در جرم‌شناسی هیچ‌گاه معادل معنای قانونی آن نمی‌باشد، بلکه معنای وسیع‌تری از معنای قانونی آن مدنظر است. در این دانش، جرم به معنای اعمال نابهنجار اجتماعی است؛ خواه قانونگذار برای آن مجازات در نظر گرفته باشد، یا هیچ‌گونه واکنشی به صورت رسمی و در قالب قوانین جزایی برای آن لحاظ نشده باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱).

تعریف جرم از نگاه علامه: علامه طباطبائی در تفسیر المیزان با اشاره به معنای لغوی جرم در کتاب المفردات راغب، می‌گوید: «اصل جرم... به معنای کندن میوه از درخت است، ... ولیکن به عنوان استعاره در ارتکاب هر عمل زشت استعمال می‌شود، و در سراسر کلام عرب دیده نشده که این کلمه در حق اشخاص دانا و پسندیده استعمال شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۹۹).

مستفاد از نظرات علامه در تفسیر المیزان، جرم در واقع تخلف از قوانین جامعه و تجاوز به حقوق دیگران است که در قوانین جزایی برای آن، کیفر تعیین شده است (همان، ج ۱۱، ص ۲۱۱). این دیدگاه علامه بر تعریف قانونی جرم منطبق است.

۲. ارتباط جرم و گناه

دو واژه «جرم» و «گناه» از نظر ادبی مترادف هستند، لیکن این دو، از نظر ماهیت با هم تفاوت دارند؛ کاربرد واژه جرم معمولاً به مواردی محدود می‌شود که «قانون» یا هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه رفتاری را منع کرده باشد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸). از سویی، جرم ماهیتی پویا و عرفی دارد و گناه از ماهیتی ثابت و الهی برخوردار است. از این رو، «تحقق جرم هیچ ملازمه‌ای با

سنن و مقدسات است که مجتمع را وادار می‌سازد تا به منظور حفظ آن، قوانین جزایی وضع کند و متخلفین و کسانی که از آن سنن سرپیچی می‌کنند کیفر نموده و عاملین به آن را پاداش دهد، گناه در این مرحله عبارت است از همان سرپیچی کردن از متون قوانین عملی» (همان، ج ۶، ص ۵۲۲).

مستفاد از این تعریف، علامه گناه را سرپیچی از قوانین عملی می‌داند که رابطه نزدیکی با جرم دارد و می‌توان گفت در این تعریف، گناه بر جرم منطبق است. البته علامه در *المیزان* به معنای معروف گناه، یعنی «مخالفت تکلیف مولوی الهی» نیز اشاره می‌نماید (همان، ج ۱۸، ص ۳۸۱) که در این تعریف، گناه اعم از جرم است و معنای وسیع‌تری نسبت به جرم دارد.

ب. عوامل وقوع جرم

عامل، هر وضع جسمانی یا روانی یا اجتماعی را گویند که می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقشی مؤثر داشته باشد (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۲). بین جرم و عوامل جرم‌زا رابطه قطعی نمی‌توان یافت، بلکه هر عامل تنها ممکن است سبب وقوع جرم شود (مظلومان، ۱۳۵۳، ص ۱۰۴). مسئله اساسی در جرم‌شناسی این است که علت جرم از مجموعه یا اقتران و ترکیب چندین عامل جرم‌زا و فقدان موانع یا عوامل بازدارنده پدید می‌آید (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

در شریعت اسلام اعتقاد به مبدأ و معاد ارتباط معکوس و در عین حال نزدیکی با جرم و گناه دارد. هرچه ایمان فرد مسلمان قوی‌تر باشد، احتمال ارتکاب جرم در وی ضعیف‌تر است. از این روی می‌توان عدم ایمان به این دو اصل مهم را نسبت به سایر عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، در سطحی بالاتر مورد بررسی قرار داد و آن را عاملی مافوق عوامل دیگر دانست. علامه طباطبائی در

تحقق گناه ندارد، چنان‌که تحقق گناه نیز ملازمه‌ای با تحقق جرم ندارد... هم می‌شود جرمی، گناه نباشد و هم می‌شود گناهی، جرم اعلام نشود» (سیدحسینی تاشی، ۱۳۸۶، ص ۷۶)؛ یعنی ممکن است فعلی که در قانون جرم است، در شرع گناه نباشد (مانند تخلفات رانندگی) و همچنین امکان دارد عملی که در شرع گناه است، از نظر قانون جرم شناخته نشود (مثل ناامیدی از رحمت خدا). از این رو، می‌توان گفت رابطه این دو، عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی صرفاً برخی از رفتارها هستند که هم گناه هستند و هم جرم شمرده می‌شوند؛ برای مثال، قتل و زنا که از گناهان بزرگ به‌شمار می‌روند، جرم نیز هستند.

رابطه موصوف بین جرم و گناه، چارچوب مباحث آتی است؛ به عبارت دیگر، در ادامه بحث، هر جا که نظریات علامه طباطبائی پیرامون «گناه» مورد بررسی قرار می‌گیرد، منظور گناهی است که در این وجه اشتراک قرار دارند و «جرم» نیز محسوب می‌شوند.

۳. تعریف گناه از نظر علامه طباطبائی

علامه در یک تعریف عمومی و کلی، گناه را مخالفت با مواد قوانین عملی می‌داند: «گناه معمولی و عرفی که اگر بخواهیم عمومی تعریفش کنیم عبارت می‌شود از مخالفت پاره‌ای از مواد قوانین عملی، چه دینی و چه غیردینی» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۵۳۲). این تعریف شامل مفهوم کلی جرم اعم از جرم جزایی (Crime) و جرم مدنی (Tort) می‌شود.

ایشان در جای دیگر به توضیح بیشتر درباره گناه می‌پردازد: «اولین چیزی که بستگی به نظام اجتماعی انسان دارد... همان احکام عملی و مقدساتی است که عمل به آن و مداومت بر آن مقاصد انسانی مجتمع را حفظ نموده و او را در زندگی به سعادت می‌رساند؛ همین

شیطان‌های جنی و انسی و یا هوای نفس و یا جهل را اطاعت نکند، هرگز اقدام به هیچ معصیتی نمی‌کند، و هیچ امر و نهی‌ای را از خدا نافرمانی نمی‌کند، پس هر گناهی اطاعت از غیر خداست» (همان، ج ۱۳، ص ۱۰۸).

ب. انکار مالکیت مطلقه خداوند: علامه در جای دیگر، اصل و ریشه تمامی گناهان و معاصی را قبول نداشتن مالکیت و حکمت خداوند متعال بیان می‌کند: «ابلیس اطلاق مالکیت خدا و حکمت او را قبول نداشته، و این همان اصل و ریشه‌ای است که تمامی گناهان و عصیان‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد؛ چون معصیت وقتی سر می‌زند که صاحبش از حکم عبودیت خدای تعالی... اعراض کند و این همان انکار مالکیت مطلقه خدا، و نیز انکار حکمت اوست (همان، ج ۱۷، ص ۳۴۵).

ج. تکبر در برابر خدا: از نظر علامه، تمامی گناهان به خودخواهی در مقابل خدا برمی‌گردد: «برگشت تمامی معصیت‌ها به دعوی انانیت (خودخواهی) و منازعه با کبریای خدای سبحان است، درحالی‌که کبریا ردایی است که بر اندام کسی جز او شایسته نیست، و هیچ مخلوقی را نمی‌رسد که در مقابل انانیت الهی... به ذات خود تکیه زده و "من" بگوید» (همان، ج ۸، ص ۲۸).

د. غفلت از مقام خدا: علامه همچنین غافل شدن از پروردگار را ریشه همه گناهان ذکر می‌نماید: «وقتی انسان کارش به جایی رسید که از هر چیزی تنها وجه باطل آن را درک کند، و از وجه حق و صحیح آن غافل شود، رفته رفته دچار غفلتی دیگر می‌گردد که ریشه همه گناهان است و آن غفلت از مقام حق تبارک و تعالی است» (همان، ج ۸، ص ۴۹).

۲) ایمان نداشتن به آخرت: علامه در ذیل آیه شریفه ۲۶ سوره «ص» (کسانی که از راه خدا گمراه می‌شوند برایشان عذاب شدیدی است به خاطر اینکه فراموش کردند روز

مقام مقایسه این دو قسم اسباب گناه، ذیل آیه شریفه ۴۸ سوره «کهف» می‌نویسد: اشتغالان به دنیا و علاقه دل‌هایشان به زینت آن هرچند که سبب شده از یاد ما اعراض کنید و خطایا و گناهی را مرتکب گردید، لیکن در این میان یک سبب دیگری برای اعراض شما هست که از سبب مذکور قدیمی‌تر و اصلی‌تر است و آن این است که شما پنداشته‌اید که ما برایتان موعدی مقرر نکرده‌ایم (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۴۹).

بر پایه این دیدگاه، به نظر می‌رسد تلقی «از یاد بردن قیامت» به عنوان عامل اصلی را بتوان بدین صورت تعلیل نمود که عوامل اصلی به عنوان قدر مشترک در تمام جرایم وجود دارد و هیچ جرمی را نمی‌توان بدون آنها تصور نمود؛ درحالی‌که عوامل فرعی هر کدام تنها باعث بروز یک یا چند جرم محدود می‌شوند. بدین لحاظ در این مبحث، نخست عدم اعتقاد به وحدانیت خدا و روز جزا که از نظر علامه سبب اصلی همه گناهان است، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به سایر عوامل پرداخته می‌شود.

۱. عوامل اصلی یا ریشه تمامی گناهان

عدم اعتقاد به وجود پروردگار یکتا و ایمان نداشتن به آخرت، از نظر علامه عامل اصلی و ریشه همه گناهان است؛ ازاین‌رو، در این بخش به توضیح این دو عامل می‌پردازیم: **۱) نفی توحید:** موارد ذیل هر یک به نوعی اصل توحید را نفی می‌نمایند:

الف. شرک: شرک در مقابل توحید قرار می‌گیرد و عبارت است از «اشتغال به غیر خدا از قبیل اسباب هستی» (همان، ج ۸، ص ۴۹۰). علامه بازگشت همه گناهان را به شرک و اطاعت از غیر خدا می‌داند: «ما اگر یک یک معاصی را تحلیل و تجزیه کنیم، خواهیم دید که برگشت تمامی گناهان به شرک است؛ زیرا اگر انسان، غیرخدا، یعنی

جسم آدمی از یکسو و با روان انسان از سوی دیگر ارتباط دارد، این عوامل را در دو بخش بررسی می‌کنیم:

الف. عوامل جسمی: عوامل جسمی به خلقت انسان مربوط می‌شوند. جنس، سن، ضعف یا قدرت، وضع مزاج از جمله این عوامل اند (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۳). در ذیل برخی از این عوامل که از نظر علامه در اعمال آدمی و تمایل وی به سوی جرم و گناه تأثیر دارند، ذکر می‌شوند.

- آلودگی نطفه یا ناپاکی رحم: علامه، آلودگی و مریضی نطفه را که منشأ به وجود آمدن انسان است و همچنین ناپاکی و بیماری رحم را که محل پرورش او در دوران جنینی است، عامل شقاوت انسان و زمینه‌ساز ارتکاب گناهان می‌داند: «انسانی که نطفه‌اش آلوده و یا مریض باشد و یا در رحم ناپاک و ناسالم پرورش یابد و یا غذای سالم به آن نرسد، ... آن استعداد و آن فهم و ادراک را ندارد و به خشونت و قساوت قلب و کم‌فهمی نزدیک‌تر است. سعادت انسان... ارتباط تامی به پاکیزه بودن مواد اصلی‌اش دارد؛ چون حامل روح انسانی همین موادند و همین موادند که او را به سوی بهشت هدایت می‌کنند، همچنان‌که شقاوتش... ارتباط مستقیمی با آب و گل او دارد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۲۵).

از نظر علامه، تأثیر این عوامل به نحو اقتضاست نه علت تامه؛ چون خداست که این آثار را در آب و گل قرار داده و او می‌تواند سبب دیگری قوی‌تر از آن به کار ببرد و اثر آن را خنثا سازد (همان).

آلودگی نطفه، در مقابل طهارت مولد قرار دارد. فرزندان حاصل از روابط نامشروع، بی‌شک نمی‌توانند به سعادت حقیقی نایل شوند. امام صادق علیه السلام فرموده است: «زنازاده نشانه‌هایی دارد: اول آنکه با اهل بیت دشمنی می‌ورزد، دوم آنکه به همان کار حرامی که بر اثر آن آفریده شده است (زنا) علاقه دارد، سوم آنکه به دین اهمیتی

حساب را)، عدم ایمان به روز جزا و سبک شمردن حساب را ریشه همه گناهان می‌داند: «به حکم این آیه ایمان نداشتن به آخرت و استخفاف امر حساب و جزاء، ریشه تمامی گناهان و مورد آن است... پس هر صفت سوء و هر ننگی که به پیشانی آدمی می‌خورد از ناحیه فراموش کردن آخرت می‌خورد» (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۳).

علامه همچنین از یاد بردن قیامت را سبب اعراض از یاد خدا و ارتکاب جرایم و گناهان می‌داند. همان‌طور که بیان شد، ایشان این سبب را در مقایسه با علایق دنیوی «سبب اصلی» بروز گناهان می‌نامد. ایشان در توضیح آیه ۴۸ سوره «کهف»، می‌فرماید: «از یاد بردن قیامت سبب اصلی اعراض از طریقه هدایت و فساد اعمال شماست» (همان، ج ۱۳، ص ۴۴۹).

علامه در جای دیگر، فراموشی روز حساب را کلید همه گناهان دانسته است: «همین فراموشی روز حساب باعث افسارگسیختگی ایشان در گناهان شد که بدون هیچ پروایی به سوی گناهان شتافتند. آری، فراموشی روز جزا کلید تمامی گناهان و گمراهی‌هاست» (همان، ج ۱۷، ص ۴۷۴).

۲. سایر عوامل ارتکاب جرایم و گناهان

تقسیم‌بندی عوامل جرم‌زا به دو گروه کلی، یعنی عوامل داخلی یا فردی و عوامل بیرونی یا اجتماعی، معروف‌ترین طبقه‌بندی این عوامل است (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۷۰). پیرامون عوامل اصلی بحث شد. اکنون سایر عوامل ارتکاب گناه از دیدگاه علامه، با توجه به طبقه‌بندی مذکور در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(۱) **عوامل فردی:** این عوامل که به «عوامل درونی» نیز مشهورند، مجموعه عواملی هستند که مربوط به ویژگی‌ها و خصوصیات انسان بوده و از شخص وی سرچشمه می‌گیرند (نجفی‌توانا، ۱۳۷۷، ص ۱۴۴). از آنجا که عوامل فردی با

به اجتماعی که آدمی را فراگرفته، هستند. علامه از عوامل اجتماعی، با عنوان «عوامل خارجی» گناه یاد می‌کند: «هر گناهی که از او [انسان] صادر شود، در صورتی که نفس او سعیده باشد و با گناه سنخیت نداشته باشد و خلاصه عوامل خارجی، گناه را به گردنش گذاشته باشد، در چنین صورتی وبال و عذاب آن گناهان را می‌چشد و پاک می‌شود، و از عذاب نجات می‌یابد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۳). در این بخش به مهم‌ترین عوامل خارجی از منظر علامه اشاره می‌شود.

الف. عوامل محیطی: از نظر علامه، محیط زندگی شامل آب و هوا، غذا، محل زندگی و منطقه جغرافیایی است. ایشان هریک از این عوامل را در اعمال آدمی و دوری و نزدیکی او به گناه مؤثر دانسته و می‌فرماید: «انسانی که... غذای سالم به آن نرسد، یا پس از ولادت محیط زندگی اش سالم نباشد و یا در مناطق استوایی و قطبی به وجود آمده باشد آن استعداد و آن فهم و ادراک را ندارد، و به خشونت و قساوت قلب و کم‌فهمی نزدیک‌تر است» (همان، ج ۸، ص ۱۲۵).

به نظر می‌رسد مقصود علامه از پاکیزه بودن مواد اصلی (آب و غذا)، علاوه بر سالم بودن ظاهری آنها، پاک‌ی باطنی یعنی حلیت آنها و مشروع بودن طریق به دست آوردن آنها نیز می‌باشد. در حدیث معراج دربارهٔ صفت اولیای خدا آمده است: شکم‌هایشان از خوراک حرام خالی است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۰). یعنی یکی از شرایط رسیدن به سعادت واقعی، نخوردن از طعام‌های حرام است.

ب. عوامل اجتماعی: این عوامل تنوع زیادی دارند. فرهنگ غالب جامعه، فقر، نابرابری اقتصادی، شهرنشینی و مهاجرت، فروپاشی خانواده، و رسانه‌ها جزو عوامل اجتماعی مرتبط با جرم محسوب می‌شوند (ولد و

نمی‌دهد، چهارم آنکه بد محضر است و کسی برای برادران خود بد محضر نمی‌شود، مگر کسی که نطفه‌اش از حرام یا حیض بسته شده باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۸).

- نوع خلقت و بنیه بدنی: از دیدگاه علامه، نوع بنیه بدنی و مزاج انسان با صفات درونی او و در نتیجه، اعمالش ارتباط دارد: «ثابت شده که میان صفات درونی و نوع ترکیب بنیه بدنی انسان یک ارتباط خاصی است؛ پاره‌ای از مزاج‌ها خیلی زود عصبانی می‌شوند و به خشم درمی‌آیند، و طبعاً خیلی به انتقام علاقه‌مندند، و پاره‌ای دیگر شهوت شکم و غریزه جنسی در آنها زود فوران می‌کند، و آنان را بی‌طاقت می‌سازد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۲).

ب. عوامل روانی: این عوامل شامل موارد متعددی می‌شود که عمدتاً مربوط به صفات درونی و اخلاقی انسان می‌باشد؛ مثل خودخواهی، کینه‌ورزی، جاه‌طلبی، بخل، حسادت و... که با روح و روان انسان آمیخته است (کسی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۳). علامه صفات درونی و خصوصیات اخلاقی را مؤثر بر اعمال انسان دانسته و معتقد است: عمل خارجی مجسمه صفات درونی است؛ یعنی آدمی هر صفت روحی که داشته باشد اعمالش بر طبق همان صفات و موافق با فعلیات داخل روحش از او سر می‌زند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۶).

مهم‌ترین عوامل روانی ارتکاب گناه از نگاه علامه، پیروی از هوای نفس، خودخواهی، شهوت‌پرستی، حسد، بخل و دنیادوستی است. از دیدگاه علامه، پیروی از هوای نفس اساس گناه است (همان، ج ۴، ص ۷۷). همچنین ایشان خودخواهی و شهوت‌پرستی را علت اصلی مفاسد می‌داند (طباطبائی، بی‌تا - الف، ص ۱۶).

۲) عوامل بیرونی یا اجتماعی: این عوامل شامل محیط طبیعی (آب و هوا، منطقه جغرافیایی و...) و عوامل مربوط

فقر زمینه‌ساز کفر معرفی شده است. رسول خدا ﷺ در این باره فرموده‌اند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (همان، ج ۹، ص ۱۶۸)؛ فقر، انسان را در آستانه کفر قرار می‌دهد. علامه در این باره می‌نویسد: «ما اگر انواع گناهان و جرایم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم و به جست‌وجوی علت آن پردازیم، خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفروطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی، گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات و ادا می‌کند، و یا ثروت بی‌حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه سکنی و همسر، و بی‌بندوباری در شهوات، هتک حرمت‌ها، شکستن قرق‌ها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی‌دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۰).

با توجه به تصریح استاد به اینکه «فقر مفروط» و «ثروت بی‌حساب» علت بروز تمامی جرایم و جنایات است، به نظر می‌رسد این عوامل جایگاه خاصی در میان دیدگاه‌های ایشان دارد و می‌توان آنها را پس از عوامل اصلی (ایمان نداشتن به وجود خدا و روز حساب) مهم‌ترین عامل ارتکاب جرایم دانست.

- اختلاف طبقاتی: علامه با ذکر وجود اختلاف فاحش طبقاتی در کشورهای غیراسلامی، آن را موجب فساد جامعه می‌داند: «هیچ‌یک از این رژیم‌های غیراسلامی خالی از اختلاف فاحش طبقاتی نیست... و این اختلاف طبقاتی بالاخره منجر به فساد می‌گردد، برای اینکه فساد لازمه اختلاف طبقاتی است» (همان، ج ۴، ص ۱۹۵). از این رو، اختلاف طبقاتی، زمینه‌ساز فساد در اجتماع است.

- رسانه‌های جمعی: وسایل ارتباط جمعی شامل مطبوعات، سینما و تلویزیون امروزه بزرگ‌ترین نقش را در جهت تنویر افکار عمومی به عهده دارد. از نظر

دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۴۸ و ۴۴۹). برخی از عوامل اجتماعی مهم از منظر علامه به قرار ذیل است:

- اجتماع فاسد: میزان فساد در جامعه، با تمایل فرد به سوی جرم و گناه ارتباط دارد. علامه درباره تأثیر فساد اجتماع بر فرد می‌فرماید: «در ظرف اجتماع فاسد که از هر سو فساد آن را محاصره کرده باشد، رستگاری یک فرد و صالح شدن او بسیار دشوار است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۶).

- حضور در مجلس گناه: از نظر علامه، کسانی که در مجالس گناه شرکت می‌کنند، اگرچه در ارتکاب عمل دخالت و کمکی نکنند و حتی در قلب هم راضی به آن عمل نباشند، لیکن صرف حضور در چنین مجالسی در آنها تأثیر گذاشته و زمینه آلودگی به گناه را فراهم می‌کند. ایشان می‌فرماید: «به‌طورکلی، مشاهده گناه و حضور در مجلس معصیت در دل هر کسی اثر گذاشته و گناه را در نظرش سبک و بی‌اهمیت می‌سازد، و معلوم است که وقتی گناه در نظر کسی مأنوس شد، خطر ارتکاب و وقوع در آن بیشتر می‌شود؛ چون نفس آدمی برای هر گناهی هوا و خواهشی دارد... آری، کسی که در اطراف فرقه‌گاه، آمد و شد می‌کند، خطر قرق شکستش بیشتر است» (همان، ج ۷، ص ۲۰۱ و ۲۰۲).

همچنان‌که پیامبر خدا ﷺ همنشینی با هر شخص گمراه از ایمان و منحرف از احکام الهی را مایه تباهی دل‌ها دانسته‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۵۰۴). بر مبنای این دیدگاه، می‌توان گفت همنشینی با دوستان فاسد و معاشرت با افراد ناباب نیز جرم را در نظر انسان بی‌اهمیت می‌کند و در این صورت، احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد.

- فقر مفروط یا ثروت بی‌حساب: اهمیت عوامل اقتصادی و نقش آن در میزان جرم در جامعه بر کسی پوشیده نیست. در اسلام اهمیت این مسئله تا آنجاست که

بررسی قرار می‌گیرد. پیش‌گیری غیرکیفری مقدم بر پیش‌گیری کیفری است؛ از این رو، ابتدا به پیش‌گیری غیرکیفری پرداخته می‌شود.

الف. پیش‌گیری غیرکیفری

پیش‌گیری غیرکیفری، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که ماهیت غیرکیفری دارند؛ یعنی قهرآمیز و سرکوب‌گرانه نیستند و عمدتاً قبل از ارتکاب عمل مجرمانه، اعمال می‌شوند. پیش‌گیری غیرکیفری از یک سو، به دنبال کشف و کنترل عوامل جرم‌زا و از سوی دیگر، در پی از بین بردن یا حداقل کاهش فرصت‌های ماقبل جنایی است. این دو راهکار مبنای تقسیم پیش‌گیری غیرکیفری به پیش‌گیری اجتماعی و پیش‌گیری وضعی است.

در پیش‌گیری اجتماعی تأکید و تمرکز بر عوامل اجتماعی مؤثر در تکوین بزه است و می‌کوشد تا با دستکاری و تغییر محیط و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... جرم را در نطفه خفه کند و ریشه‌های جرم را بخشکاند. پیش‌گیری وضعی یا موقعیتی عمدتاً ناظر به وضعیت‌های ماقبل بزهکاری است و می‌کوشد تا با تغییر در آخرین موقعیت و وضعیت‌های خاصی که در آنها بزهکاری به فعلیت می‌رسد، با وقوع جرم مقابله نماید (همان، ص ۳۰ و ۳۱).

پیش از ورود به بحث اصلی، به دیدگاه‌های علامه درباره اهمیت اصلاح جامعه در اسلام، اشاره‌ای می‌شود. علامه می‌گوید: «تنها تعلیم و تربیت دینی که از مصدر نبوت و وحی صادر می‌شود، می‌تواند اختلافات بشری را رفع و فساد ناشی از آن را اصلاح کند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۸). ایشان می‌گوید: «دین همواره بشر را به سوی معارف حقیقی و اخلاق فاضله و اعمال نیک دعوت می‌کند، و معلوم است که صلاح عالم انسانی هم

جرم‌شناسی، این رسانه‌ها به دلیل اثراتی که بر فرهنگ و هنجارهای افراد بخصوص جوانان می‌گذارد، شدیداً مورد توجه و مطالعه بوده و به عنوان یک عامل بزهکاری قلمداد می‌گردد (نجفی توانا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵ و ۲۳۶). علامه درباره نقش سینماها و نشریات در فساد و آلودگی اجتماع می‌گوید: «شکی نیست که سینماها با نمایش‌های جنایی و عشقی و همچنین نشریات با داستان‌های جنایی و عشقی، خود یکی از عوامل تبلیغاتی فساد است و قضایا را به نحوی آرایش می‌دهند که انسان پیوسته حق را به جانی می‌دهد و سعادت و خوشبختی زندگی را در عشق‌بازی و بی‌بندوباری می‌پندارد» (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۷). همانند دیدگاه علامه، وسایل ارتباط جمعی با بار و پیام ناسالم به‌زعم بسیاری از پژوهشگران می‌تواند سرچشمه فساد و انحراف اخلاقی باشد.

بخش دوم: دیدگاه‌های علامه طباطبائی در خصوص

پیش‌گیری از جرم

واژه «پیش‌گیری» از نظر لغوی به معنای جلوگیری، دفع و صیانت است (معین، ۱۳۸۲). در جرم‌شناسی، پیش‌گیری به معنای «به جلوی تبهکاری رفتن» به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری است. پیش‌گیری در معنای موسّع خود همه اقدامات و تدابیری است که پیش یا پس از وقوع جرم در جهت کاهش وقوع اعمال مجرمانه اعمال می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۶). پیش‌گیری از بزهکاری با توجه به زمان مداخله (قبل یا بعد از وقوع جرم)، به دو گونه پیش‌گیری کیفری (واکنشی) و غیرکیفری (کنشی) تقسیم می‌شود.

با توجه به این تقسیم‌بندی، در این بخش، دیدگاه‌های علامه طباطبائی پیرامون پیش‌گیری از جرم، ذیل دو مبحث «پیش‌گیری غیرکیفری» و «پیش‌گیری کیفری» مورد

از نظر ایشان، توحید خالص درمان هر دردی است و به برکت این داروی شفابخش، تمام بیماری‌های روحی و اخلاقی برطرف می‌شود (حکمت زلال، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

۲) معاد: علامه درباره اثر ایمان به معاد بر اعمال آدمی می‌گوید: «انسان معتقد به معاد می‌داند که اعمالش دائماً تحت کنترل بوده و ظاهر و باطن اعمالش پیش خدای دانا و بینا روشن بوده و روزی در پیش دارد که با کمال دقت به حسابش رسیدگی خواهد شد، و این عقیده کاری را در انسان انجام می‌دهد که از دست هزار پلیس مخفی و مأمور آگاهی بر نمی‌آید؛ زیرا همه آنها از بیرون کار می‌کنند و این یک نگهبان داخلی است که هیچ سری را از وی نمی‌شود پوشید» (طباطبائی، بی تا - ب، ص ۱۷۰).

علامه بر این باور است که تنها سبب اصیلی که بشر را از پیروی هوای نفس باز می‌دارد، اعتقاد به معاد است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۵). از منظر ایشان، ایمان به بعث و جزا، یگانه مانعی است که انسان را از گناه باز می‌دارد (همان، ج ۲۰، ص ۳۸۴). ایشان همچنین می‌فرماید: «معلوم است که طبع انسانی را غیر از ترس از عذاب الیم و مؤاخذه شدید و یقین به وقوع آن، چیزی از ارتکاب عمل زشت باز نمی‌دارد... ایمان به آخرت و یقین به وقوع حساب و جزای آن، یگانه اصلی است که ضامن حفظ انسان از ارتکاب اعمال زشت است، و او را از هر مذمت و آبروریزی نگاه می‌دارد، ... و هیچ چیز دیگر این اثر را ندارد، حتی توحید هم که تمامی معارف به آن منتهی می‌شود، چنین اثری ندارد» (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۲).
با توجه به آنچه بیان شد، مشخص می‌شود که علامه نقش اعتقاد به معاد در پیش‌گیری از جرم را از اعتقاد به توحید هم مهم‌تر و مؤثرتر می‌داند. از نظر ایشان، امکان ندارد کسی که معتقد به معاد است، مرتکب گناه شود: «ممکن نیست انسان، عالم و مؤمن به روز حساب باشد، و

در همین سه چیز است: عقاید حقه، اخلاق فاضله و اعمال نیک» (همان، ج ۲، ص ۱۹۸).

با توجه به اینکه علامه اصلاح جامعه را در اصلاح اعتقادات، اخلاق و اعمال آدمی می‌داند، دیدگاه‌های ایشان در این مبحث حول این سه محور بررسی می‌شود.

۱. اعتقادات

اعتقادات شامل اصول سه‌گانه توحید، نبوت و معاد است. شکی نیست که اعتقاد به اصل توحید و معاد، و باور داشتن به اینکه خداوند عادل است و ستمگران را به سزای اعمالشان می‌رساند و این اعتقاد که هیچ‌یک از اعمال انسان، از نظر خدا مخفی نیست و در روز قیامت به حساب خواهد آمد، تأثیر بسزایی در زندگی مسلمانان و اصلاح امور آنان خواهد داشت (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۷). در این قسمت، نظرات علامه در دو بخش پیرامون اصول توحید و معاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) توحید: علامه درباره تأثیر اعتقاد به توحید بر دوری از گناهان می‌گوید: «لازمه این توحید... این است که انسان هر زمان و هر جا که باشد، روحاً ملتزم به احسان و دوری از بدی‌ها باشد... چنین کسی خدا را با خود و دانای به احوال خود و حفیظ و قائم بر هر نفس می‌داند و معتقد است که خدای تعالی عمل هر انسانی را می‌بیند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۷).

ایشان معتقد است: «هیچ انگیزه و محرکی ولو هرچه باشد، جای توحید را نمی‌گیرد و چیزی وجود ندارد که جای توحید را در بازداری انسان از معصیت و نقض سنن و قوانین پر کند، مخصوصاً اگر آن معصیت و نقض سنن از چیزهایی باشد که طبعاً برای مردم آشکار نشود» (همان، ج ۱۱، ص ۲۱۳).

البته علامه اثر توحید واقعی را از این هم بالاتر می‌داند.

علامه بر این باور است که با عادلانه‌ترین قوانین و سنن اجتماعی و سخت‌ترین قوانین جزایی نمی‌توان جلوی هر جرم و تخلفی را گرفت؛ مگر در صورتی که در آن جامعه فضایل اخلاقی حکومت نماید (رمضانی گیلانی، ۱۳۸۷، ص ۳۷۴). ایشان اخلاق فاضله را تنها راه جلوگیری از جرم می‌دانند: «هرچند قوانین و مقررات عادلانه‌ای وضع شود و احکام جزایی سخت و تهدیدکننده هم وجود داشته باشد، در عین حال، جلوی تخلف و ارتکاب جرم را جز به وسیله اخلاق فاضله انسانی نمی‌توان گرفت» (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۲۶۰).

از دیدگاه علامه، منظور از اخلاق فاضله، ملکاتی مانند ملکه حکمت، شجاعت، عفت و امثال آن است که کلمه «عدالت» همه آنها را در خود می‌گنجاند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۸).

علامه جهت محقق شدن پیش‌گیری از جرم، به ضرورت تضمین اخلاق فاضله به وسیله اصل توحید تأکید می‌نماید: «اخلاق فاضله اگر بخواهد مؤثر واقع شود باید در نفس ثبات و استقرار داشته باشد و ثبات و استقرارش نیازمند ضامنی است که آن را ضمانت کند و جز توحید یعنی اعتقاد به اینکه برای عالم تنها یک معبود وجود دارد تضمین نمی‌کند، تنها کسانی پایبند فضایل اخلاقی می‌شوند که معتقد باشند به وجود خدایی واحد» (همان، ج ۴، ص ۱۷۵).

علامه معتقد است: وقتی اخلاق بر چنین عقیده‌ای اتکا داشته باشد، برای آدمیان جز مراقبت رضای خدا همتی باقی نمی‌ماند؛ در آن صورت، تمامی هم‌آدمی این می‌شود که یک‌یک کارهایش مورد رضای خدا باشد، و چنین مردمی از درون دل‌هایشان، رادعی به نام تقوا دارند که مانع آنان از ارتکاب جرم می‌شود (همان، ج ۱۱، ص ۲۱۲ و ۲۱۳).

همواره آن روز را در خاطر داشته و به یاد آن باشد، به یاد روزی باشد که در آن روز به حساب کوچک و بزر اعمالش می‌رسند، و در عین حال، پاره‌ای گناهان را مرتکب شود، چنین کسی نه تنها مرتکب گناه نمی‌شود، بلکه از ترس، به قرقگاه‌های خدا نزدیک هم نمی‌گردد» (همان، ج ۱، ص ۷۳).

۲. اخلاقیات

در مکتب اسلام فضایل اخلاقی جایگاه مهمی دارد؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان هدف رسالت خویش می‌فرماید: «انَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (محمدری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷۱)؛ من برای تتمیم مکارم و فضایل اخلاقی مبعوث شدم.

رعایت معیارها و فضایل اخلاقی با آمار جرایم رابطه معکوس دارد؛ هرچه فضایل اخلاقی در میان مردم زنده‌تر بوده و بیشتر مورد اقبال عمومی باشد، به همان نسبت آمار جرم کاهش می‌یابد (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۸).

علامه درباره نقش پیش‌گیرانه اخلاق بر این باور است که اخلاق یا همان خصلت‌ها و ملکات نفسانی مانند عفت، سخاوت، حیا، رأفت و راست‌گویی اگر تعدیل شود، دیگر این همه فساد در جوامع پدید نمی‌آورد و بشر را به پرتگاه هلاکت نمی‌افکند، بلکه بشر را در امن و راحتی و سعادت قرار می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۸۹). ایشان معتقد است اجرای قانون در گرو اخلاق است: «اسلام روش جاری و قوانین موضوعه خود را بر اساس اخلاق بنیاد می‌کند و با تأکید و اصرار فراوان مردم را با اخلاق پاک بار می‌آورد؛ زیرا قوانین عملی در گرو و بر عهده اخلاق است؛ چون که اخلاق در سرّ و آشکار و خلوت و جلوت وظیفه و کار خود را خیلی بهتر از یک پلیس... انجام می‌دهد» (طباطبائی، ۱۳۴۸، ص ۴۹ و ۵۰).

۳. اعمال و احکام عبادی

احکام و دستورات عملی اسلام همان فروع ده‌گانه دین هستند که عمل به آنها بر همه مسلمانان واجب است. در این بخش، برخی از مهم‌ترین این فروع که از نظر علامه بر پیش‌گیری از جرم تأثیر دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد. (۱) **نماز:** نماز یکی از مهم‌ترین اعمال است که در قرآن و روایات تأکید فراوانی به آن شده است. انسان نمازگزار گناه نمی‌کند؛ زیرا او در پرتو نماز همواره یاد خدا را در دل دارد و او را ناظر و حاضر بر اعمال خویش می‌داند.

علامه در توضیح آیه شریفه ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت: ۴۵) می‌گوید: «نماز بهترین اعمال است؛ چون که نماز از فحشا و منکر بازمی‌دارد. و سیاق آیات شاهد بر این است که مراد از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشا و منکر است، البته بازداری آن به نحو اقتضاء است نه علیت تامه، که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند» (همان، ج ۱۶، ص ۱۹۸). علامه درباره اینکه نماز چگونه انسان را از ارتکاب جرایم بازمی‌دارد، می‌گوید: این عمل مخصوصاً که بنده خدا آن را در هر روز پنج بار بجا بیاورد، و همه عمر ادامه دهد، ... طبعاً با گناهان کبیره سازش ندارد. آری، توجه به خدا از در بندگی، آن هم در چنین محیط و از چنین افراد، طبیعتاً باید انسان را از هر معصیتی کبیره و هر عملی که ذوق دینی آن را شنیع می‌داند، از قبیل قتل نفس، تجاوز به جان‌ها و به مال ایتم، زنا، و لواط، باز بدارد، بلکه نه تنها از ارتکاب آنها، بلکه حتی از تلقین آن نیز جلوگیری کند. ... اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در مدت کوتاه به طور مسلم باعث می‌شود که ملکه پرهیز از فحشا و منکر در او پیدا شود (همان، ج ۱۶، ص ۱۹۸ و ۱۹۹).

(۲) **روزه:** روزه، خودداری نفس از لذاتی است که در سایر

مواقع برای انسان جایز است. علامه با اشاره به اینکه فایده روزه تقواست، می‌فرماید: «این تقوا تنها از راه روزه و خودداری از شهوات به دست می‌آید، و نزدیک‌ترین راه و مؤثرترین رژیم معنوی و عمومی‌ترین آن... عبارت است از خودداری از شهوتی که همه مردم در همه اعصار مبتلای بدانند، و آن عبارت است از شهوت شکم از خوردن و آشامیدن، و شهوت جنسی که اگر مدتی از این سه چیز پرهیز کنند، ... آن وقت در برابر هر گناهی عنان اختیار از کف نمی‌دهند، و نیز در تقرب به خدای سبحان دچار سستی نمی‌گردند؛ چون پر واضح است کسی که خدا را در دعوتش به اجتناب از خوردن و نوشیدن و عمل جنسی که امری مباح است اجابت می‌کند، قهراً در اجابت دعوت به اجتناب از گناهان و نافرمانی‌ها شنواتر و مطیع‌تر خواهد بود» (همان، ج ۲، ص ۹).

(۳) **امر به معروف و نهی از منکر:** از جمله روش‌هایی که در اسلام برای تشویق و ترغیب افراد به انجام کارهای درست و مقبول و دور داشتن آنها از انجام کارهای نادرست به کار می‌رود، امر به معروف و نهی از منکر است. علامه درباره این فریضه می‌فرماید: «افراد آن مجتمع اگر فردی را ببینند که از آن علم تخلف کرده، او را به سوی آن علم برمی‌گردانند و شخص منحرف را از طریق خیر و معروف به حال خود واگذار نمی‌کنند و نمی‌گذارند آن فرد به پرتگاه منکر سقوط کند و در مهلکه شر و فساد بیفتد؛ بلکه باید هریک از افراد مجتمع با شخص منحرف برخورد و او را از انحراف نهی نمایند» (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷ ب، ص ۴۳).

از نظر علامه، اسلام با واجب نمودن این فریضه برای عموم افراد جامعه، مبارزه با جرم و تخلف از قوانین را عمومی‌تر و مؤثرتر ساخته است (طباطبائی، بی تا - الف، ص ۱۸۲).

(۴) **انفاق (خمس و زکات):** انفاقات، بخصوص خمس و

خاص در جهت جلوگیری از تکرار جرم توسط شخص مرتکب و پیش‌گیری عام شامل بازدارندگی از طریق تهدید و ارباب سایر کسانی که در معرض ارتکاب بزه هستند، به کار گرفته می‌شود (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).
با وجود همه نواقصی که در مسیر اجرای قوانین جزایی وجود دارد، علامه معتقد است: این قوانین، در صورتی که قوه مجریه از جرم اطلاع یابد و قدرت بر مجازات مجرم هم داشته باشد، مانعی برای ارتکاب جرم خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۹). ایشان همچنین می‌فرماید: «در مواردی که انسان از کشتن حق غیر، لذت می‌برد و هیچ رادع و مانعی نیست که او را از این لذت‌های نامشروع باز بدارد و هیچ قانونی نیست که او را در برابر این تجاوزها مجازات کند... دیگر چه مانعی می‌تواند او را از ارتکاب این‌گونه خطاها و ظلم‌ها (هر قدر هم که بزر باشد) جلوگیری نماید؟ (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۶).

مفهوم مخالف این بیان، آن است که وجود قانونی که انسان را به علت تجاوز به حقوق دیگران مجازات می‌کند، او را از ارتکاب ظلم باز می‌دارد. علامه با اشاره به اینکه قوانین جزایی مردم را از مخالفت ترسانیده و باز می‌دارد، می‌فرماید: «البته جای انکار نیست که این مطلب (ترس از مجازات) تا اندازه‌ای به اجرای قوانین کمک می‌کند» (طباطبائی، بی تا - الف، ص ۱۵).

از این رو، بر مبنای دیدگاه علامه، وضع قوانین جزایی و در نظر گرفتن کیفر برای متخلفان، تا حدی از ارتکاب جرم پیش‌گیری می‌نماید. از این رو، ایشان تذکر قوانین جزایی را در جامعه لازم می‌داند: «یکی از تعلیماتی که لازم است در اجتماع تثبیت شود، تلقین و تذکر احکام جزایی است، تا اینکه همه بدانند در صورت تخلف از قانون به چه مجازات‌ها گرفتار می‌شوند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸۰).

زکات که تکلیف شرعی است، تأثیر بسزایی در تربیت اقتصادی و مالی مسلمانان دارد؛ نیازمندی‌های فقرا را برطرف می‌سازد و موجب کم شدن فاصله طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی می‌گردد؛ در نتیجه، زمینه برای ارتکاب جرایم مالی با انگیزه‌های مختلف از بین می‌رود (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۹).

علامه درباره علت تأکید شدید اسلام نسبت به انفاق می‌گوید: «بدین وسیله، طبقات پایین را که نمی‌توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران حواجی زندگی خود را برآورند، مورد حمایت قرار داده تا سطح زندگی‌شان را بالا ببرند... و غرض از اینها ایجاد یک زندگی متوسطی است که فاصله طبقاتی در آن فاحش و بیش از اندازه نباشد... و این نیز به طور کامل حاصل نمی‌شود مگر به اصلاح جهات مالی و تعدیل ثروت‌ها، و به کار انداختن اندوخته‌ها، و راه حصول این مقصود، انفاق افراد از اندوخته‌ها و مازاد آنچه با کد میمن و عرق جبین تحصیل کرده‌اند می‌باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۸۷ و ۵۸۸).

علامه همچنین معتقد است: خودداری از انفاق باعث می‌شود که مستمندان در مهلکه فقر و بی‌چیزی رها شوند، و بازار جنایت و فحشا رواج یابد (همان، ج ۲، ص ۶۰۵).
بر پایه آنچه گفته شد، انفاق با نزدیک کردن سطح زندگی اقشار مختلف جامعه و از بین بردن اختلاف طبقاتی، در واقع فقر را ریشه‌کن می‌کند و ثروت بی‌اندازه را تعدیل می‌کند و بدین نحو از جرایم پیش‌گیری می‌کند.

ب. پیش‌گیری کیفری

یکی از اهداف مجازات‌ها اصلاح و تربیت بزه‌کار و در نتیجه پیش‌گیری از جرم است. پیش‌گیری از جرم بر پایه این هدف، «پیش‌گیری کیفری» نامیده می‌شود.

پیش‌گیری کیفری یا قهرآمیز با دو هدف پیش‌گیری

نکته است. از این رو، می‌توان گفت: این تعریف، مفهوم جرم را نیز شامل می‌شود. البته ایشان مخالفت با تکلیف مولوی الهی را به عنوان معنای معروف گناه ذکر می‌نماید که از این منظر، گناه مفهوم متفاوت و در عین حال وسیع‌تری نسبت به جرم دارد.

در خصوص سؤال دوم، می‌توان گفت: علامه اسباب اصلی را از سایر عوامل جرم تفکیک می‌نماید. ایشان معتقد است: غفلت از مقام خداوند متعال و فراموش کردن او، و همچنین ایمان نداشتن به آخرت، سبب شمردن امر حساب و از یاد بردن قیامت سبب اصلی و ریشه همه گناهان و جرایم می‌باشد. ایشان به عوامل دیگری نیز اشاره می‌نماید که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم و معاصی است. این عوامل را می‌توان عوامل فرعی نامید. مهم‌ترین این عوامل فقر مفرط یا ثروت بی‌حساب است که علامه از این دو به عنوان «علت بروز تمامی جرایم و جنایات» یاد می‌کند. این تصریح استاد، دو عامل فوق را در میان سایر عوامل فرعی، حایز اهمیت می‌نماید. از منظر ایشان، شهوت‌پرستی و خودخواهی نیز از علل اصلی مفاسد است.

پاسخ سؤال سوم این است که مهم‌ترین راهکار پیش‌گیری از جرم از نظر علامه، اخلاق فاضله انسانی متکی بر اصل توحید است. ایشان معتقد است: تنها علت حفظ اراده‌ها و در نتیجه، تنها ضامن اجرای قانون، همانا اخلاق عالی‌ه انسانی است و جلوی تخلف و ارتکاب جرم را جز به وسیله اخلاق فاضله انسانی نمی‌توان گرفت. از طرفی، ایشان، ایمان به بعث و جزا را یگانه مانعی می‌داند که انسان را از گناه بازمی‌دارد. به نظر می‌رسد در ارائه این دو راهکار علامه بین مفهوم جرم به معنای تخلف از قوانین جاریه و گناه به معنای مخالفت با اوامر و نواهی الهی، تفکیک قائل شده است.

از دیدگاه علامه، آنچه در یک مجازات قانونی مؤثر، مطلوب است این است که فساد را تقلیل داده به شکل استثنا دریاورد، نه اینکه چنان ریشه کن کند که دیگر هرگز واقع نشود (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۸).

ایشان معتقد است: ترس از مجازات نمی‌تواند صددرصد راه تخلف را ببندد و نفوذ و تسلط قانون را کاملاً حفظ نماید. ایشان درباره علت این مسئله می‌فرماید: «قوانین مجازات نیز به درد قوانین دیگر مبتلی بوده قابل تخلف می‌باشد و پیوسته از ناحیه طبع آزادی خواه بشر تهدید می‌شوند؛ زیرا مردمی که نفوذ و قدرت کامل دارند می‌توانند بدون ترس و هراس علناً مخالفت کنند یا با اعمال نفوذ، دستگاه قضایی و سازمان اجرایی را به موافقت خواسته‌های خود مجبور نمایند. و کسانی هم که نفوذ و قدرت کافی ندارند می‌توانند از غفلت یا ضعف کارگردانان جامعه سوءاستفاده کرده مخالفت‌های خود را پنهانی انجام دهند یا با رشوه و شفاعت یا از راه دوستی و خویشاوندی با متنفذان اجتماع به مقصود خود نایل شوند و در نتیجه، چرخ اجتماع را از محور خود بیرون آورده از کار بیندازند» (طباطبائی، بی تا - الف، ص ۱۵).

در نتیجه، اثر کیفر هیچ‌گاه به صورت صددرصد نیست و به علت نقص و تخلف در اجرای قوانین جزایی، همواره جرایم در جامعه بروز پیدا می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول (ماهیت جرم)، باید توجه داشت علامه مفهوم کلی گناه را تعریف می‌نماید. از نظر ایشان، مخالفت با مواد قوانین عملی که مجازات در پی دارد، گناه است. در این تعریف، قوانین عملی شامل قوانین جزایی نیز می‌شود و تصریح علامه به «کیفر متخلفین»، گناه را به مفهوم جرم پیوند می‌دهد. تعریف قانونی جرم، مؤید این

قیاسی، جلال‌الدین و دیگران، ۱۳۸۰، *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کی‌نیا، مهدی، ۱۳۸۶، *مبانی جرم‌شناسی*، چ نهم، تهران، دانشگاه تهران.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷، *میزان‌الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.

مظلومان، رضا، ۱۳۵۳، *جرم‌شناسی: کلیات*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

معین، محمد، ۱۳۸۲، *فرهنگ فارسی*، تهران، راه رشد.

منصوری، عبدالرضا، ۱۳۸۵، *نقش باورهای دینی در پیش‌گیری از جرم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم.

میرخلیلی، محمود، ۱۳۸۸، *پیش‌گیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نجفی توانا، علی، ۱۳۷۷، *جرم‌شناسی*، تهران، خیام.

نوربها، رضا، ۱۳۸۲، *زمینه حقوق جزای عمومی*، چ هفتم، تهران، دادآفرین.

ولد، جرج و دیگران، ۱۳۹۰، *جرم‌شناسی نظری (گمذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)*، ترجمه علی شجاعی، چ چهارم، تهران، سمت.

منابع

امید، مسعود، ۱۳۸۰، *اخلاق‌شناسی علامه طباطبائی*، تبریز، دانشگاه تبریز.

پوریانی مهدیرجی، حسن، ۱۳۸۴، *نقش تعالیم دین اسلام در پیش‌گیری از وقوع جرم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۸، *تقریرات درس جرم‌شناسی*، قم، دانشگاه قم.

حکمت زلال: *گزیده‌ای از اندیشه‌های آیت‌الله علامه طباطبائی*، گردآورنده: بخش فرهنگی مسجد و حسینیه الزهرا (س)، ۱۳۸۷، مشهد، مسجد و حسینیه الزهرا (س).

رشادتی، جعفر، ۱۳۸۶، *پیش‌گیری از جرم در قرآن کریم*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

رضایی یزدی، محمد، ۱۳۸۱، *اندیشه‌های اجتماعی علامه طباطبائی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

رمضانی گیلانی، رضا، ۱۳۸۷، *آرای اخلاقی علامه طباطبائی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

سلیمی، علی و محمد داوری، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی کجروی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سیدحسینی تاشی، صادق، ۱۳۸۶، *رابطه جرم و گناه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

صالحی، اکبر و مصطفی یاراحمدی، ۱۳۸۷، *الف، تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبائی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

—، ۱۳۸۷، ب، «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبائی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی»، *تربیت اسلامی*، سال سوم، ش ۷، ص ۲۳-۵۰.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۴۸، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه جواد حجتی کرمانی، تهران، بعثت.

—، ۱۳۷۱، *مجموعه مقالات، پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

—، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

—، بی تا - الف، *خلاصه تعالیم اسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

—، بی تا - ب، *فرازهایی از اسلام*، جمع‌آوری و تنظیم سیدمهدی آیت‌اللهی، قم، جهان آرا.